



<http://www.arianafghanistan.com>



۷ اکتوبر ۲۰۱۹

خلیل الله معروفی

تذکر:

پنجم اکتوبر را "روز بین المللی معلم" دانسته اند و دوست عالیقدر و بزرگوارم، جناب "ولی احمد نوری"، که مؤسس و مدیر محترم مسؤول وبسایت "آریانا افغانستان آنلاین" میباشند، یک هفته را برای روز فرخنده معلم تخصیص داده و از همکاران قلمی تقاضاء فرموده اند، تا بدین مناسبت چیزی بفرستند. من، که در تنبلی یقیناً سر "لت های زیر زردآلو" را هم خاریده ام، "خدا و هست" گفته مطلبکی از نوشته های قدیم را تقدیم میکنم. گرچه این مقاله راساً برای روز معلم نوشته نشده، اما فکر کنم، به نحوی بدین موضوع ارتباط میگیرد. نوشته مربوط به صفحه ۵ سپتمبر ۲۰۱۱ "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" است، که امید بر خواننده عزیز "آریانا افغانستان آنلاین" ناگوار نیفتد.

(همبورگ - هفتم اکتوبر ۲۰۱۹)

ناکام مضمون پشتو

طنز نیست!!!



روز دوم عید سعید روزه بود، که عزیزی بس صمیم از "میونش" و به اصطلاح ایرانیان، که از فرانسوی استعاره کرده اند، از "میونیک" تلفون زد. عید را تبریک گفته و از برکت آن آیام فرخنده، خوشی و خرمی این دوست خود را آرزو کرد. من هم، که آن عزیز را واقعاً دوست دارم، متقابلاً عید را برای خودش و اهل بیت شریفش مبارکباد گفته و آرزومند خوشی و برومندی همیشگی ایشان گشتم. این دوست مهربان، که همکار دائمی و گرانقدر پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" هم میباشد، از ولایت پکتیاست و با چنان زیبایی دری گپ میزد، که هوس آدم می آمد. من که ازین مکالمه لذت میبردم و میدیدم، که یک پشتون ما با این سلاست و خوشنمائی دری سخن میگوید، برایش گفتم:

«فلانی جان!

تو چقدر روان و زیبا دری گپ میزنی و مره بلا زده، که نمیتانم پشتو گپ بزnm، در حالی، که زبان ارجمند پشتو را به مانند مردمک چشم خود دوست دارم.»

خندید و گفت:

«خیر اس ماروفی صایب!

اگر جهان دیگری پس ازین زندگانی بود و ما دوباره زنده شدیم و من معلم مضمون پشتوی تان شدم، باز شما را ناکام میکشم!!!»

بسیار خنده کردیم و ازین مزاق(مزاح) نمکین، که باعث فرحت و انبساط خاطر هردوی ما در روز عید گشته بود، لذت بردیم. بعد از ختم تلفون به یاد آوردم، که من و همدوره های من و اشخاصی پیش از ما، از جمله کسانی میباشیم، که از صنف اول مکتب پشتو میخواندیم. جملات اوائل کتاب پشتوی ما در صنف اول چنین بود:

وا وا مکتب جاری شو

هلک ورته راهی شو

آسان لوستل دی

آسان لیکل دی

دا جشن دی د نجات

دا اختر هم دی برات

و از عنوان "خزان" و برگریزان این جمله به یادم مانده است:

"ترپ ترپ تونیری پانی."

(برگها ترپ ترپ میریزند.)

خلاصه با وجودی، که از صنف اول تا صنف دوازدهم مکتب - که از صنف دوم به بعد در لیسه جلیل حبیبیه گذشت - پشتو خوانده ام و نمراتم در پشتو بین ۶ تا ۸ حرکت میکرد و با وجودی، که متون پشتو را بدون اشکال درک کرده میتوانم، اما متأسفانه قادر نیستم، که بدون هراس و ترس و لرز پشتو گپ بزنم. نمرات خوبم در پشتو مگر نه به خاطر قدرت محاوره ام درین زبان بوده است، بلکه معلمان پشتوی ما در هنگام امتحان غالباً سوالات گرامری میکردند و من در گرامر تکره بودم. معلم صاحبان وقتی میدیدند، که به هر سوال صرف و نحو پشتو را به نحو احسن جواب میدادم، فکر میکردند، که درین مضمون واقعاً صحیح وارد استم.

به رغم مثل معروف کابلی، که گوید "در هفت نشد، در هفتاد؟؟؟" - یعنی وقتی در خردی میسر نگشت، در پیری نتوان جبران **مافات کرد** - حالا، که عمرم به آخر رسیده و گویا "افتو سر کوه" گشته ام، خیلی مایلم، این زبان ارجمند ملی و رسمی ما را، که با زبان عزیز دری ارزش و اهمیت یکسان دارد، درست یاد بگیرم. از همین رو دروس پشتوئی را، که در پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" از طرف معلم گرامی آن "استاد محمد اسحاق برکت" پیش برده میشود، با جدیت تمام تعقیب میکنم و مطالعه روزمره مطالب پشتو را در پورتال، که ممی دیگرم در زمینه فراگرفتن و تقویه این زبان میباشند، هرگز فراموش نمیکنم.

اما علت چه بوده است، که متعلمان دری زبان مکاتب مثلاً در چشم و چراغ وطن - اعی "کابل نازنین" و به فرموده ابوالفضل بیهقی "حضرت کابل، که پاینده باد!!!" - با وجودی، که لااقل هشت سال تخت روزانه یک ساعت درس پشتو داشتند، این زبان را درست نیاموخته اند؟؟؟ ضمن جست و جوی علل مختلف این تقصیر، باید واقعاً علت اصلی را پیدا کرد!!! یقیناً درینجا طیفی از علل موجود است، که باعث گردیده تا دری زبانان به ثنرت بر زبان ارجمند و خلیبها مهم پشتو تسلط پیدا کنند، مگر به ارزیابی خود این قلم، علت اصلی "عدم تسلط دری زبانان بر زبان پشتو"، در "تسلط پشت زبانان بر زبان دری" نهفته است!!! چون اکثریت مطلق پشتوزبانان، زبان دری را یاد دارند و بدون هیچ اشکالی با دری زبانان به دری گپ میزنند، اهالی دری زبان هم بنا بر خاصیت ذاتی "عطالت"، جداً به دنبال یادگرفتن زبان پشتو برنیامده اند.

این را به نکوئی میدانیم، که انسان ذاتاً و طبیعتاً "تنبل" آفریده شده و میخواد "ساده‌ترین" و "بی‌مانع‌ترین" راه را انتخاب نماید؛ در هر موردی، که باشد. در فزیک صنف هفتم قانونی را زیر عنوان "عطالت" (Inertia) این طور خوانده بودیم: «جسم ساکن همیشه ساکن میماند و جسم متحرک، همیشه متحرک، تا علت و عاملی باعث تغییر حالتش نگردد.»

و گوئی "قانون عطالتِ دری‌زبانان" بستگی مستقیم با "تحرک و عملِ فعالِ پشتوزبانان" ما دارد. وقتی پشتوزبانان عزیز ما تقریباً بالعموم "دری" را یاد میگیرند و "بلبل‌واری" دری گپ میزنند، باعث میگردد، که "عطالتِ طبیعی و ذاتی" دری‌زبانان، قمچین نخورده بماند. چون غرض از یادگرفتن و به کار بستن زبان – هر زبانی، که باشد – افهام و تفهیم و اخذ و انتقال و مبادلهٔ خبر و معلومات است، دری گپ زدن پشتوزبانان، این منظور را به کلی رفع میسازد و ضرورتی نمی‌افتد، که اهالی دری زبان هم قدم رنجه فرموده و زبان پشتو را یاد بگیرند، تا با پشتوزبانان به پشتو سخن گویند. البته این در جاهائیست، که دری‌زبانان در اکثریت اند و اگر دری‌زبانان در مناطق پشتون نشین اقامت گزینند، بالاجبار زبان پشتو را یاد میگیرند و تبادل و مبادلهٔ خبر و افهام و تفهیم به زبان پشتو صورت میگیرد. چه خوب است، که از کتاب مستطاب و مغتنم، "پژوهشی در تاریخ هزاره‌ها" اثر حسین علی یزدانی (حاج کاظم) پراگرافی را نقل بنمایم، تا شاهد مثال ما باشد در زمینه. مؤلف ارجمند در صفحات ۳۰۶ – ۳۰۷ جلد اول این کتاب زیر عنوان "هزاره‌هائی، که پشتون و بلوچ شده اند" چنین آرد:

هزاره‌هائی، که پشتون و بلوچ شده اند:

«از عنوان فوق شاید دچار تعجب شده باشید، اما واقعیت دارد. بعض اقوام هزاره در اثر مجاورت طولانی با برادران پشتون و بلوچ به مرور زبان و فرهنگ آنان را فراگرفته اند و به زبان پشتو و یا بلوچی سخن گویند. مذهب تسنن دارند و لباس چون آنان میپوشند. از آن جمله هزاره‌های جلال آباد هستند. در گذشته هزاره‌های بهسود مناطق وسیعی را در اختیار داشتند، که این منطقه از حدود جلال آباد و بهسود مشرقی و لغمانات گرفته تا کابل و میدان و جلیز و بهسود هزاره‌جات را شامل میشد. بهسود مشرقی قشلاقگاه و بهسود هزاره جات بیلاقگاه این مردم بود.»

(پژوهشی در تاریخ هزاره‌ها، چاپ دوم، تابستان ۱۳۷۲، چاپخانه مهر – قم، ایران)

البته به صراحت میگویم، که سطور بالا هرگز در پی توجیه "یادنگرفتن پشتو" نیست، فقط خواستم به تفحص علت برابیم و همین را یافتیم؛ شاید به خطا رفته باشم!!!



ناکام مضمون پشتو

Maroofi_k_۳۸_naakaame_mazmoone_pashto.pdf